

پیش گفتار

برای شناخت بهتر حسابداری **سه بعدی** یا **چهار بعدی**

یا **چند بعدی** ابتدا از حسابداری شروع میکنم

کلمه حسابداری به معنای محاسبه و نگهداشت حساب می باشد در طی قرون و اعصار گذشته روشهای مختلفی به منظور جوابگوئی به نیاز روز افزون بشر به حسابداری بوجود آمد و دامنه حسابداری وسیعتر گردید اکنون با پیدایش و پیشرفت سیستمهای کامپیوتری نسل جدیدی از حسابداری پدید آمده

که ما اسم **حسابداری چند بعدی یا چند طرفه**

را برای آن برگزیدیم و علت آنرا در ذیل توضیح خواهم داد .

حسابداری تنها علم نیست !

به **فن** و **مهارت** و **تجربه** هم بستگی دارد

حسابداری یعنی :

طبقه بندی حسابها

ثبت به موقع

ضبط اسناد و مدارک

و **ارائه گزارشات** یک بنگاه اقتصادی

انواع حسابداری یکطرفه - دوطرفه - سه طرفه -

چهار طرفه یا به نظر ما چند طرفه (چند بعدی)

بخش اول : حسابداری یکطرفه

برای بیان مطلب و درک بهتر از حسابداری یکطرفه به مکانی که بصورت وسیع و سنتی از آن استفاده می شود میرویم و آن مکان **بازار** است در بازار یک کاسب دفتر حسابداری دارد که برای هر یک از مشتریان یک حساب باز کرده است و کلیه داد و ستدهای خود را در دو ستون **بدهکار** و **بستانکار** ثبت می کند و در ستون سوم مانده آنرا محاسبه و می نویسد بدین گونه که هرچی میگیرد در ستون بستانکار حساب ثبت می کند و هرچی می دهد در ستون بدهکار می نویسد و در نهایت این دو ستون را از هم کسر و مانده گیری می کند و در ستون مانده حساب درج می کند به عبارت دیگر

دهنده = بستانکار - گیرنده = بدهکار خواهد شد

مثال :

فرض کنید آقای فرضی از ما جنسی خریده!

در ستون بدهکار آقای فرضی **۱۰۰۰۰۰۰ ریال** بدهکار می شود

حال به ما وجهی را داده !

در ستون بستانکار آقای فرضی **۵۰۰۰۰۰۰ ریال** بستانکار می شود

پس از تفاضل مانده حساب می شود **۵۰۰۰۰۰۰ ریال بدهکار**

به این نوع حسابداری یکطرفه گفته می شود

علل شکست حسابداری یکطرفه چی بود !!!

حال به نقد و بررسی مثال فرضی میپردازیم
اگر آقای فرضی ۵۰۰۰۰ ریال داده بود و ما اشتباها ۵۰۰۰۰۰ ریال ثبت کردیم پیدا کردن این اشتباه کاری بس مشکل بود چون ما در طول روز از دهها نفر پول و چک گرفتیم و نمی دانیم چه کسی به ما کم داده یا اصلا متوجه کم گرفتن وجه خود نمی شویم چون ماخذی نداریم
اگر آقای فرضی فردی منصف باشد وقتی با او میخواستیم تسویه کنیم میگوید من ۵۰۰۰۰ ریال دادم و شما اشتباه کردید و اگر هم آقای فرضی به یاد نداشته باشد یا خدای ناخواسته واقعیت را نگوید که ما ۴۵۰۰۰

ریال از دست داده ایم **پس چه باید بکنیم؟**

این همان فکری بود که نسل اول حسابداری دوبل را بوجود آورد!

بخش دوم : حسابداری دو طرفه (دوبل)

حسابداری دوطرفه از زمان پیدایش سرعت در بین بازرگانان و تجار و سپس در بنگاههای دولتی مورد استقبال قرار گرفت و به تدریج کامل شد

خوب ره آورد این نوع حسابداری چی بود؟

ره آورد آن ایجاد حسابهای واسط بود

مثل
حساب صندوق
حساب اسناد دریافتنی (چک دریافتی)

حساب اسناد پرداختنی (چک پرداختی)
حساب سرمایه
حساب شرکا
حساب خرید
حساب برگشت از خرید
حساب تخفیفات خرید
حساب فروش
حساب برگشت از فروش
حساب تخفیفات فروش
حساب موجودی اول و پایان دوره
حساب درآمدهای عملیاتی و غیر عملیاتی
حساب هزینه ها
حساب تولید
حساب ذخایر
حساب پیش دریافت
حساب پیش پرداخت
حساب کالای بین راهی
حساب انتقال بین انبار ها
حساب در جریان وصول
حساب چک برگشتی نزد صندوق
حساب بهای تمام شده کالا یا محصول فروش رفته
حساب سود و زیان
و... سایر حسابها اعم از انتظامی و غیر انتظامی

این دستاورد بزرگی بود و انقلابی در این صنف بوجود آورده بود

ولی هنوز کامل نبود **چرا ؟**

چون حسابها قاطی تعریف میشد یعنی طبقه بندی نداشت

پس باید فکری کرد ؟

این فکر همان ایجاد طبقه بندی حسابها بود که **کدینگ** نامیده میشود

طراحی کدینگ نیز از اهمیت ویژه ائی برخوردار است

مثلا کدینگ **کوپرز** از دارائی های ثابت شروع میشود

زمین ساختمان تاسیسات و بعد به دارائی های جاری میرسد

ولی در کدینگهای دیگر برعکس عمل شده چرا؟

بخاطر آنکه شخصی که کوپرز را طراحی نموده با یک نگاه به تراز کل آن شرکت متوجه قدرت بنیه مالی آن میشده یعنی از دیدن ارقام حساب زمین یا ساختمان متوجه میشده این شرکت چقدر قوی است ولی بر عکس شخصی که کدینگ استاندارد را طراحی کرده که از حسابهای دارائی جاری مثل صندوق یا بانک شروع میشود برایش گردش نقد و بانک مهم بوده بطور کلی طراحی یک کدینگ بستگی به دیدگاه طراح آن یا به نیاز یک شخص یا شرکت دارد و شما هم میتوانید کدینگ خود را داشته باشید ولی متناسب با درک موضوع و تسلط بر ارتباط حسابها با یکدیگر **کدینگها یک قانون ابدی و غیر قابل اصلاح نیستند** با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان میتوانند بهینه شوند و تکامل پیدا کنند و حتی خود حسابداری !!! که به آن خواهیم پرداخت !!!

حال به مثال اولیه بازگردیم و بینیم که حسابداری دوپل چه کمکی به ما میکند همانطور که گفته شد حسابداری دوپل با در خدمت گرفتن حساب واسط (حساب دیگری) را در این وادی درگیر میکند یعنی پای حساب صندوق و فروش را نیز پیش میکشد و ثبت سند بصورت زیر میشود

آقای فرضی بدهکار ۱۰۰۰۰۰۰

فروش بستانکار ۱۰۰۰۰۰۰

صندوق بدهکار ۵۰۰۰۰۰

آقای فرضی بستانکار ۵۰۰۰۰۰

حالا ما حسابی داریم که اختلاف دارد یعنی صندوق چون پول عینی ما ۵۰۰۰۰۰ ریال است و مانده صندوق ۵۰۰۰۰۰ ریال را نشان می دهد و ما متوجه میشویم که حساب صندوق در امروز مغایرت دارد و پس از بررسی حسابهای که امروز به ما پول داده اند یا گرفته اند و با توجه به میزان مغایرت حسابدار پی به مغایرت میبرد و سند را اصلاح میکند

عدم پاسخگویی حسابداری دوطرفه

و پیدایش حسابداری چند بعدی

چرا حسابداری دوبل جوابگو نیست چون حسابداری دوبل قادر به کنترل دقیق همه ابعاد یک بنگاه اقتصادی نمی تواند باشد و تنها در کنترل حسابها می تواند نقش داشته باشد مثل صندوق یا بانک یا اشخاص در سایر موارد به دلیل حجم بالای عملیات روزمره و نبود نیروی متناسب عاجز است مثل کنترل به روز موجودی انبار یا محاسبه بهای کالای فروش رفته در لحظه و دهها مورد مشابه اینجاست که سیستمهای چند بعدی نقش غیر قابل انکار خود را بازی میکنند و به کمک حسابدار و حسابداری می آیند . حال اگر ما سیستم مالی چند بعدی نداشته باشیم برای محاسبه سود و زیان از انبار دار میخواهیم موجودی تعدادی به ما بدهد و با کمک از نرم افزار های حاشیه ائی مثل EXCELL مقدار ریالی فرض را میدهیم و بر این اساس سود و زیان را تنظیم می کنیم . که در نتیجه این سود و زیان غیر واقعی بوده و از وجهات لازم برخوردار نیست

یعنی **حسابدار کارش را درست انجام نداده ؟**

حقیقتا نمی شود به حسابدار ایرادی وارد نمود چون او چند برابر کار کرده

تا بتواند این امر را محقق کند . **نه به او وارد نیست !!!**

حالا میرسیم به لزوم حسابداری چند بعدی که برای اولین بار حدود پانزده سال پیش توسط شرکت داده پردازی حرفه ای ها مطرح گردید و بر این اساس شالوده یک سیستم نوین حسابداری یکپارچه چند بعدی بنیان گذاشته شد و سالهاست در بوته آزمایش قرار گرفته و سربلند همچون قله دماوند در پهنه گیتی میدرخشد و مورد تأیید حسابرسان آلمانی انگلیسی عربی و ایرانی قرار گرفته است و بعد از چند دهه تازه این اواخر صحبت از بعد سوم یا چهارم توسط غربی ها مطرح شده که ظاهرا کمی دیر شده !!! چون ما مرز از تئوری به واقعیت را پیموده ایم .

آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم

یار در خانه و ما گرد جهان میگردیم

این تئوری چند بعدی چیکار میکند و چه کمکی به حسابدار ما میدهد ؟ این تئوری که دهها سال است دیگر تئوری نیست اینجا نقش بازی می کند که سیستم های زیر مجموعه را با حسابداری مرتبط مینماید و وظیفه کنترل و ثبت سند و محاسبات بسیار پیچیده را که از عهده حسابدار خارج است را انجام میدهد در نتیجه ما میتوانیم با گرفتن گزارش از زیر سیستمها و مقایسه با حساب مربوطه در حسابداری از صحت ثبت عملیات اطمینان حاصل نمایم . و حسابدار ما هم فرصت کافی برای

تجزیه و تحلیل حسابها داشته باشد .

حال به مثال اولیه بازگردیم ما ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به آقای فرضی فروش

کردیم . که این فروش در سیستم سه بعدی یا چند بعدی از طریق

سیستم فروش صادر میشود . قطعا این سیستم می بایست از کنترل

های خاص برخوردار باشد که بتواند سیستم حسابداری ما را ساپورت کند

مثل کنترل موجودی کنترل ریالی کنترل انباری کنترل اعتباری و دهها

کنترل دیگر که در این مقال نمی گنجد . فرض کالای A را که مبلغ واحد آن

۱۰۰۰ ریال است را به میزان ۱۰ عدد به آقای فرض داده ایم حالا اگر سند

این عمل را سیستم بزند آقای فرضی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال بدهکار میشود نه

۱۰۰۰۰۰۰ ریالی که ما در حساب یکطرفه یا دو طرفه زده بودیم و هیچ

کنترلی روی صحت این رقم نداشتیم چون سندی که به حسابدار ما داده

بودند همان ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده ولی چون ما یک بعد دیگر را وارد ماجرا

کردیم توانستیم مبلغ صحیح را بزینم حال اگر ما شک داشتیم ۱۰۰ عدد

به آقای فرضی داده شده یا ۱۰ عدد **چطوری اشتباه پیدا می شود ؟**

از طریق کنترل موجودی که می بایست در سیستم فروش ما باشد

موجودی ما فرضا ۱۰۰۰ عدد بوده ۱۰ عدد برای آقای فرضی فاکتور شده

و باید ۹۹۰ عدد داشته باشیم و موجودی سیستم و کاتکس انبار هر دو

و بصورت موازی ۹۹۰ عدد را نشان می دهد پس کنترل انبار نقش خودش

را جهت شفافیت موجودی و فروش و مبلغ واقعی بدهی آقای فرضی

بازی کرد . حالا با این فرض که فروش ۱۰۰ عدد بوده و اپراتور اشتباهی ۱۰

عدد وارد کرده چه اتفاقی می افتد سیستم ۹۹۰ را نشان می دهد و لی کارتکس انبار ۹۰۰ را نشان می دهد و با پیگیری و مقایسه مدارک اشتباه خود را رفع می کنیم . حالا مشخص گردید که دامنه حسابداری فراتر از ثبت بدهکار و یا بستانکار است و بعد فروش و انبار هم به آن اضافه گردید. خوب فرض کنید ما عمل خرید مواد و یا تولید و یا محاسبه استهلاکات و یا محاسبه حقوق و دستمزد چک دریافتی یا چک پرداختی و یا وامهای دریافتی و یا پرداختی خود را هم با سیستم حسابداری مرتبط کنیم

چه اتفاقی می افتد ؟

آن اتفاق این است که ابعاد کنترلی به سایر سیستمها کشیده شده و آنها را درگیر میکند و هر سیستم سیستم دیگر را کنترل می کند . پس نمی توانیم در حال حاضر بگویم سه بعد یا چهار بعد چون هرچه جامعه بشری پیشرفت کند و خواسته های جدید از سیستم حسابداری داشته باشد به همان نسبت هم میتوان به ابعاد کنترلی آن افزود .

لذا ما به همین منظور اسم چند بعدی را برگزیدیم

بحث موجودی پایان دوره و صحت آن یک بحث وسیع است که در این مقال نمی گنجد و انشالله اگر عمری بود در مقاله ای دیگر تحت عنوان بهای تمام شده و مقایسه روشهای سنتی و پیشرفته به عرض خواهیم رساند .

با امید که مطالب درج شده مورد نظر دوستان قزار گرفته باشد یک جمله زیبا منتسب به انیشتن بخاطرمد آمد او گفته بود .

وقتی میتونی بگی چیزی را فهمیدی که بتونی آنرا به مادر بزرگت یاد
بدی !!!!

اگر در نوع نگارش قصوری بود به خوبی خودتان ببخشید !!!.

بهزاد جعفری